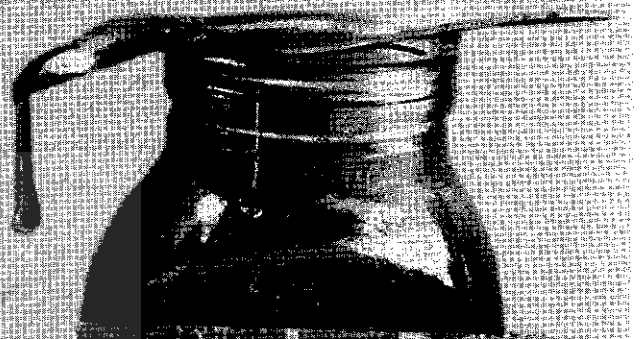


مقالہ

زندگینامہ ہلاک و آفتاب چگونگی پیدائش

محمد عبدالغنی حسن

ترجمہ امیرہ ضمیری



بررسی جنبه‌های علمی و ادبی زندگینامه‌ها

زندگینامه‌ها یکی از انواع ادبیات هستند که به شرح زندگی یک یا چند شخصیت می‌پردازند و ممکن است مفصل یا کوتاه و عمیق یا سطحی باشند که بستگی به عصری دارد که در آن نوشته شده‌اند و میزان معلومات نویسنده و قدرت او در ارائه تصویری روشن و دقیق از «صاحب ترجمه» با استفاده از تمامی معلومات خود و مطالبی که گرد آورده است.

هر قدر سبک نگارش زندگینامه‌ها- زندگینامه‌های خود نوشت و انواع دیگر- زیباتر و هر چه بیشتر با جامعه‌ی آراسته باشد، جنبه‌ی ادبی زندگینامه نسبت به جنبه‌ی تاریخی آن بیشتر می‌شود. ولی اغراق نویسنده در هنرنمایی ادبی و مبالغه او در بیان و توصیف، ممکن است او را از واقعیت دور سازد؛ زیرا که بیشتر به آرایش جملات توجه می‌کند تا به بیان اصل مطلب که باید هدف زندگینامه‌نویس باشد. برای نمونه از فرود^۱، مورخ و شرح حال‌نویس انگلیسی قرن نوزدهم، دوست و نویسنده شرح حال کارلایل^۲، یاد می‌کنیم. آثار او به علت مبالغه در شرح و توصیف از لحاظ تاریخی اعتباری ندارند، ولی در ادبیات انگلیسی مهم شمرده می‌شوند. به رغم آنچه در مورد فرق میان داستان‌نویس و زندگینامه‌نویس، از نظر ارائه تصویر واقعی شخصیتها گفته شد، و با وجود اختلاف عقیده آندره سوروا^۳، زندگینامه‌نویس متأخر فرانسوی، با فورستر^۴، داستان‌نویس معاصر، هنر زندگینامه‌نویسی تا حدی نیاز به فن بیان دارد، تا بتواند انسانها را با تمام انگیزه‌ها و صفات خوب و بدشان، زنده و پرتحرک تصویر کند.

زندگینامه‌نویسی به اندازه‌ی قدمت انسان سابقه دارد. بی‌تردید ظهور آن با پیدایش نگارش در میان اقوامی که نوشتن را می‌دانستند و آن را در مسائل زندگی و مسائلی که بعد از تکمیل ضروریات زندگی بوجود می‌آید، به کار می‌بردند، هم‌زمان است. در واقع زندگینامه نوع معینی از تاریخ شخصیتهاست و چه بسا که هم‌زمان و به موازات تاریخ به وجود می‌آید. در میان یونانیان، مورخان و زندگینامه‌نویسانی بوده‌اند که تاریخ با افتخار از آنان یاد می‌کند. آنها سرگذشت بزرگان را به منظور انعکاس چگونگی پیدایش زندگی‌شان ثبت و تصویر کرده‌اند تا بتوان از آنها به عنوان سرمشقی که ایده‌آلیستها نیز در پی آنند، استفاده کرد. پلوتارک^۵، کتاب سرگذشت بزرگان یونان و روم را به این دلیل نوشت تا نمونه‌ای برای زندگی سیاستمداران باشد. کتاب «اخلاق» ارسطو نیز به عنوان مقدمه‌ای برای کتاب «سیاست» نوشته شد و سوئیتونیوس^۶ برای ارائه الگویی از زندگی فرمانروایان قدیمی روم، کتاب «زندگی دوازده امپراتور رومی» را به رشته تحریر در آورد.

انگیزه‌های شخصی و روابط خوشایندی ممکن است محرک زندگینامه‌نویس باشند، چنانکه در قرن اول میلادی تاکیتوس^۷، مورخ رومی، کتاب «زندگی آگریکولا» را تحت تأثیر علاقه و خویشاوندی با آگریکولا^۸ رهبر رومی نوشت که نمونه‌ای از زندگینامه‌نویسی در ادبیات قدیم به شمار می‌رود. زندگینامه‌نویسی در اروپا به علت دوران تاریکی که در قرون

وسطی بر آن سایه انداخته بود، عقیم ماند؛ در حالی که، در همان زمان تاریخ اسلامی جای خود را در دنیا باز می‌کرد و اسلام - دین عرب و غیر عرب - در سرزمینهایی که به زیر بیرق اسلام در می‌آمدند، گسترش می‌یافت. از قرن دوم، زندگینامه‌نویسی در ادبیات عرب، باب و به مرور زمان بر انواع و تعداد آن افزوده شد تا حدی که سرآمد میراثهای ادبی ملتها شد. برای اینکه این گفتار بدون دلیل مطرح نشده باشد، انگلستان را مثال می‌آوریم که با وجود سابقه طولانی در هنر شرح حال‌نویسی، قرن‌ها در این زمینه راكد مانده بود تا اینکه در سالهای ۱۶۲۳-۱۷۲۰ میلادی، سموئل پیپس^۹ انگلیسی خاطرات و یادداشتهای روزانه خود را به رشته تحریر درآورد که نخستین گام در پدید آمدن زندگینامه خود نوشت بود. در فرانسه، ریتز^{۱۰}، مورخ قرن هفدهم، خاطراتش را در سال ۱۶۲۷ نوشت و با این اقدام، زندگینامه‌نویسی در فرانسه حیات تازه‌ای یافت. به این ترتیب زمانی که هنر زندگینامه‌نویسی در انگلستان و فرانسه نضج می‌گرفت، در ادبیات عربی اسلامی به نهایت رشد و تنوع و گسترش خود رسیده بود.

هر قدر سبک نگارش زندگینامه‌ها - زندگینامه‌های خود نوشت و انواع دیگر - زیباتر و هر چه بیشتر با جامعه بلاغی آراسته باشد، جنبه ادبی زندگینامه نسبت به جنبه تاریخی آن بیشتر می‌شود. ولی اغراق نویسنده در هنرنمایی ادبی و مبالغه او در بیان و توصیف، ممکن است او را از واقعیت دور سازد.

در قرن دوازدهم، یعنی قرن‌ها قبل از اینکه پیپس انگلیسی و ریتز فرانسوی خاطرات خود را بنویسند، کتاب «الاعتبار» اسامه بن منقذ (۴۸۸-۵۸۴ هـ ق) جنگاور عرب مسلمان نمونه‌ای عالی از زندگینامه خود نوشت به شمار می‌رفت و در همان قرن، یکی از شعرای عرب به نام عماره بن علی یمنی [۵۶۹ ق] در کتاب «النکت العصریه» به شرح زندگی خود و دیگر شخصیتها و وزرای اواخر عصر فاطمی پرداخت. در قرن هفتم هجری کتاب «وفیات الاعیان» ابن خلکان [احمد بن محمد، ۶۰۸-۶۸۱ ق] در میان کتب شرح حال بزرگان، اعم از هر نژاد و فرهنگی، اثری ارزنده به شمار می‌رفت. زمانی که مورخان به کتاب پلوتارک که در آن، شرح حال چهل و شش تن از یونانیان و رومیان گرد آمده بود می‌بالیدند، کتاب ابن خلکان حاوی هشتصد شرح حال بود. این کتاب با ذکر تاریخ وقایع و اطلاعات دقیق و محققانه بدون هیچ گونه اغراق و مبالغه‌ای به خواننده کمک می‌کند تا تصویری صحیح از زندگی نامداران و بزرگان به دست آورد. و سالها قبل از انتشار زندگینامه‌های انگشت‌شمار

ایزاک والتون انگلیسی^{۱۲}، یعنی در اواخر عصر عباسی و در دوران مالیک و عصر عثمانی، زندگینامه‌نویسی در ادبیات عرب به اوج خود رسیده بود و کتبی در شرح و توصیف شهرها و قرون مختلف و بزرگان آنها و نیز شرح حال کسانی که در صفتی مشترک بودند - مانند نابینایان یا مسلمانانی که اسم یگانه‌ای داشتند - منتشر شد. در طبقه‌بندی این کتب نیز تنوع بسیار به کار رفت.

در حقیقت زندگینامه‌ها در ادبیات عربی اسلامی - از لحاظ کمیت و تنوع، طبقه‌بندی و تقسیم موضوعات و رعایت این دو مسئله، حتی در کتب تاریخ عمومی و شرح‌های لغوی، دقت در ثبت تاریخ تولد و وفات و تحقیق در مشخصات متشابه تا آنجا که زندگی اجتماعی صاحبان ترجمه اجازه می‌داد، شرح زندگی زنان و مردان نامدار و بزرگان شهرها و دول مختلف در کتابی جداگانه و آوردن نمونه‌ای از آثار آنان اعم از نظم و نثر - بر شرح حالهای ادبیات خارجی، چه در گذشته و چه در حال، برتری دارند.

در تاریخ زندگینامه‌نویسی جهانی، هرگز توجه و تحقیق در مشخصات اعلام آن‌طور که در زندگینامه‌های عربی رعایت شده، دیده نشده است. حتی در این باره کتب جداگانه‌ای تألیف شده که در مورد آنها در بخش‌های بعدی صحبت خواهیم کرد.

روش نگارش زبان عربی در گذشته موجب شده که در ثبت بعضی از مشخصات، مانند اسامی شعرائی چون جناب، جناب، جناب ... اشتباه و تصحیف رخ دهد ولی زندگینامه‌نویسان در مقابل این مشکل که به علت شباهت شکل حروف عربی پیش آمده است، دست‌بسته تسلیم نشدند و برای رفع اشتباه و تصحیح اسامی، کتابها و فرهنگ‌نامه‌هایی نگاشتند که از آن جمله است: کتاب «المؤتلف والمختلف» آمدی [حسن بن بشر متوفای ۳۷۱ ق.]

ناگفته نماند که اروپاییان در قرون اخیر با اتخاذ روش واحدی که به کار بردن ویژگیهای آن از قرن هیجدهم میلادی به بعد معمول گردید، عقب‌ماندگی خود را در این زمینه از ادبیات جبران نمودند. به عبارت دیگر با تألیف کتاب «زندگی شاعران» به قلم جانسن^{۱۳} و کتاب «شرح حال دکتر جانسن» به تحریر بازول^{۱۴}، روش تازه‌ای در تألیف زندگینامه‌ها پدید آمد. مورخان ادبیات جهانی کتاب اخیر را در نوع خود یگانه و یکی از شاهکارهای زندگینامه‌نویسی در تمام اعصار می‌دانند.

در قرن هیجدهم به علت پیشرفتهای جهانی جدید در زمینه‌های سیاست، تجارت و صنعت و رواج مفاهیم دموکراسی، همه مردم از نظر زندگینامه‌نویسان یکسان شدند و آن دید مقدس در مورد پادشاهان، که فقط آنها انسان‌اند و یا آنها بالاتر از مردمانند، از میان رفت. رشد احساس مسئولیت در قبال تاریخ باعث گردید که زندگینامه تصویری راستین از صاحب ترجمه و مستند به کردار و گفتار او گردد و از آن زمان شاهکارهایی پدید آمدند چون «سرگذشت جلیچ» از ولینگتن، «سرگذشت نلسون» از سودی^{۱۵}، «زندگی والتراسکات» از لوکهارت^{۱۶}، «سرگذشت شارلوت برونته» از خانم هاسکل، «ملکه ویکتوریا» از ستریچی^{۱۷}، «بیسمارک و ناپلئون» از امیل لودویگ^{۱۸}، «زندگی شللی و بایرون» از آندره

روش نگارش زبان عربی در گذشته موجب شده که در ثبت بعضی از مشخصات، مانند اسامی شعرائی چون جناب، جناب، جناب ... اشتباه و تصحیف رخ دهد ولی زندگینامه‌نویسان در مقابل این مشکل که به علت شباهت شکل حروف عربی پیش آمده است، دست‌بسته تسلیم نشدند و برای رفع اشتباه و تصحیح اسامی، کتابها و فرهنگ‌نامه‌هایی نگاشتند

سوروا. نویسنده اخیر سخنرانی‌هایی در زمینه زندگینامه‌نویسی در سال ۱۹۲۸ در دانشگاه کمبریج ایراد کرده است، متن این سخنرانیها در کتابی گردآوری شده که از نظر زندگینامه‌نویسان قابل توجه است.

و چقدر گفته ستریچی، مورخ و زندگینامه‌نویس مشهور انگلیسی، درست است که می‌گوید: «بدبختی است که تاریخ علم نیست؛ همچنانکه تنها انباشتن حقایق هم نیست، بلکه تاریخ بازگو کردن حقایق است. اگر حقایق مربوط به گذشته، هنرمندانه به هم آمیخته نشوند، چیزی جز گردآوری و تصنیف نخواهند بود. بدون شک ممکن است تصانیف سودمند باشند، ولی نمی‌توان آنها را تاریخ خواند.»

در نیمه دوم قرن بیستم با انتشار کتاب «البعقریات» [= نواخ] و تعدادی دیگر از زندگینامه‌های مرحوم عباس محمود عقاد [۱۸۸۹ - ۱۹۶۴]، «سرگذشت محمد و ابوبکر و عمر» از دکتر محمدحسین هیکل

[۱۸۸۸ - ۱۹۵۶]، «عثمان و علی و بنوه» از دکتر طه حسین^{۱۹} و سرگذشت صریح و جسورانه‌ای که میخائیل نعیمه [۱۸۸۹ -] درباره جبران خلیل جبران [۱۸۸۳ - ۱۹۳۱] نگاشته بود، تحولی در زندگینامه‌نویسی عربی پدید آمد و شرح حال بزرگان تاریخ اسلامی، صحابه و تابعین، خلفا و رهبران، پادشاهان و حکام، علما و ادبا، بار دیگر با استفاده از روشهای جدید بازنویسی شد.

زندگینامه‌نویسان معاصر، حقایق تاریخی را از منابع و مراجع قدیمی گرفته و آنها را در قالبی دلپذیر و منطبق با مقصود ستریچی ارائه کرده‌اند، و شخصیتها را از نقطه نظر روانشناسی تجزیه و تحلیل کرده و اثر آنها را در محیط و بالعکس با هوشیاری و تیزبینی کامل نشان داده‌اند و عوامل فعال و مشترک میان شخصیت و محیط را شرح داده‌اند تا تأثیر هر کدام بر دیگری معلوم شود.

زندگینامه‌نویسان معاصر عرب حتی در نگارش شرح حال بزرگان دین، فقها و امامان به استفاده از این روش ملزم بوده‌اند که از آن جمله است: کتاب شرح حال امام محمدبن ادریس شافعی [۱۵۰ -



۲۰۴ ق] که تنها نقل اقوال علما و راویان و ثبت آثار و نوشته‌ها و یا گلچینی از عقاید و اقوال او نیست، بلکه این کتاب مطالعه محیط زندگی و فقه مذهب امام شافعی است و تصویر زندگی اوست، از میان گفته‌هایی که درباره‌اش نقل شده با تجزیه و تحلیل عواملی که هنگام تولد، رشد و آموزش، او را احاطه کرده بودند و مطالعه اثرات این عوامل در تشکیل شخصیت، کسب معلومات و گسترش مذهب اوست.

شیخ محمد ابو زهره^{۲۰}، عبدالحلیم الجندی و امین الخولی [۱۸۹۵-] نیز با تألیف شرح حالهایی از این دست، هنر زندگینامه‌نویسی را در مقام شایسته خود قرار داده‌اند. امروزه زندگینامه‌نویسان متوجه شده‌اند که زندگی صاحب ترجمه لازم نیست یک تراژدی با آغاز و پایانی غمناک باشد تا اثری هنری و زیبا بشمار آید. اسکار وایلد^{۲۱} به رغم زندگی دردناک و اضطراب‌آور و پریشانی که داشت گفته است: «اگر زندگی ناپلئون بناپارت آن پایان غمناک را در سنت هلن نداشت، یک زندگی عادی و تهی از زیبایی می‌بود.»

با این حال زندگینامه‌نویس ماهر و چیره‌دست ممکن است بتواند با مهارت ادبی خود از یک زندگی معمولی یک شاهکار در زمینه زندگینامه‌نویسی برای مردمی که غمهای زندگی آنها را به لرزه در نیاورده است، بیافریند.

در زندگینامه‌نویسی عربی، زندگی شهدایی چون علی بن ابی‌طالب و حسین (ع) موضوعی شد برای به وجود آوردن شاهکارهایی در ادبیات قدیم شیعه و در عصر حاضر طه حسین و عقاد و عبدالفتاح عبدالمقصود نیز آن را یکی از موضوعات کار خود قرار دادند. اما این نویسندگان برای نوشتن زندگینامه شخصیت‌های دیگر مانند ابوبکر، عمر و خالد بن الولید نیاز به تراژدیهای غمناک و مرگهای غم‌انگیز نداشتند.

و بار دیگر باید بینش دموکراتیک را در دگرگون ساختن این عقیده که زندگی بردگان بیشتر از زندگی مردم معمولی ارزش جلب توجه زندگینامه‌نویسان را دارد، مؤثر دانست و به این دلیل سهم یک شهروند زحمتکش بیشتر از پادشاهان و حکام قرون وسطی گردید. در این راه، زندگینامه‌نویسان مسلمان از دیگران پیشی گرفتند و توجهشان به ثبت زندگی پادشاهان و عامه مردم یکسان بود؛ تا آنجا که نویسندگانی چون خلیل بن ایبک صفدی [۶۹۶-۷۶۴ق] در کنار زندگینامه‌های بینایان به ثبت زندگینامه‌های ناپایان^{۲۲} نیز پرداختند، و ابوبکر خطیب [احمد بن علی، ۳۹۲-۴۶۳ق.] شرح حال کریمان و آزمندان را نگاشت.

زندگینامه هر قدر که مفصل یا مختصر باشد، باید سهم خود را از نظر پژوهش‌های علمی و مقایسه حوادث و گفتارها و ارزیابی آنها ادا کند تا از هر گونه تمایلات و تعصبات شخصی که ممکن است نسبت به صاحب ترجمه و یا بر علیه او داشته باشند، عاری باشد.

زندگینامه هر قدر که مفصل یا مختصر باشد، باید سهیم خود را از نظر پژوهشهای علمی و مقایسه حوادث و گفتارها و ارزیابی آنها ادا کند تا از هر گونه تمایلات و تعصبات شخصی که ممکن است نسبت به صاحب ترجمه و یا بر علیه او داشته باشند عاری باشد.

بدان و وصف احوال و افعال آنها همواره در شرق و غرب وجود داشته و هنوز پا بر جاست. اما وقتی سرگذشت شخصیت‌های مختلف را می‌نویسیم باید با بی‌طرفی کامل جانب راستی، احتیاط و انصاف را نگه داریم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کسی که شرح حالش نوشته شود. م.
2. James Anthony Froude, (1818-1894).
3. Thomas Carlyle, (1795-1881).
4. Andre Maurois, (1885-1967).
5. Edward Morgan Forster, (1879-1970).
- ۶ Plutarch (46-120)، زندگینامه‌نویس یونانی است. اثر بزرگ او تحت عنوان حیات مردان نامی ترجمه رضا مشایخی فرهاد (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶-۱۳۳۸) به فارسی در چهار جلد ترجمه و منتشر شده.
- ۷ کابوس سوئیتونیوس ترانکوئیلوس.
- ۸ م (۱۱۲) Caius Suetinius Tranguilius.
- ۹ Agricola (۲۸-۹۳) سردار رومی، در سالهای ۷۷-۷۴ کنسول روم و در سال ۷۸ کنسول بریتانیا بود. تاکیوس دامادش بود و شرح حال او را نوشت. م.
- ۱۰ Samuel Pepys (۱۶۳۲-۱۷۵۲).
- ۱۱ Cardinal de Retz (۱۶۱۴-۱۶۷۹).
- ۱۲ Izaak Walton (۱۵۹۳-۱۶۸۳).
- ۱۳ سمونیل جانسن (Samuel Johnson) (۱۷۰۹-۱۷۸۴) لغوی، نویسنده و منتقد انگلیسی، کتاب زندگی شاعران The Lives of the English Poets او در (۱۰ جلد ۱۷۸۹-۱۷۸۱) منتشر شد که شامل انتقادات وی از ۵۲ شاعر مشهور انگلیسی می‌باشد.
- ۱۴ جیمز بازل (James Boswell) (۱۷۴۰-۱۷۹۵).
- ۱۵ Robert Southey.
- ۱۶ جان گیسون لوکهارت (John Gibson Lockhart) (۱۷۹۴-۱۸۵۴).
- ۱۷ جایلز لیتین ستریچی (Strachey) (۱۸۸۰-۱۹۲۲) زندگینامه‌نویس و ناقد انگلیسی است. اهمیتش به خاطر انقلابی است که در زندگینامه‌نویسی پدید آورد و این فن را از تفصیلات فاضل‌مآبانه و ملال‌آور و مداحیهای طولانی قرن ۱۹ پیراسته و اقامت به نوشتن زندگینامه‌هایی روشن و پر حرکت و انتقادی و هنرمندانه نمود.
- ۱۸ Emil Ludwig (۱۸۸۱-۱۹۴۸).
- ۱۹ طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۳)، این کتاب تحت عنوان «علی (ع) و دو فرزند بزرگوارش» ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۷۲ ق ترجمه و منتشر شده ترجمه‌های دیگری نیز از این کتاب به عمل آمده است.
- ۲۰ شیخ محمد ابوزهره زندگینامه‌هایی درباره «مالک»، «ابن حنبل»، «الشافعی»، «ابوحنیفه»، «ابن تیمیه»، «ابن حزم» تألیف کرده است. استاد عبدالحلیم الجندی نیز زندگینامه ارزنده‌ای از ابوحنیفه به جا گذاشته، و استاد امین الخولوی زندگینامه محققانه‌ای از امام مالک نگاشته است.
- ۲۱ Oscar wilde (۱۸۵۴-۱۹۰۰).
- ۲۲ از میان کتب خوب معاصر درباره نابینایان، کتاب **فی عالم المكفوفین** اثر استاد دکتر احمد الشرباصی است که در آن زندگینامه‌هایی از نابینایان معاصر نیز وجود دارد. از جمله زندگینامه‌های شیخ احمد الزین، الصاوی شعلان و محمد العلاتی.
- ۲۳ ابوحنیفه نعمان ثابت (۸۰-۱۵۰ ق).
- ۲۴ لقب عمومی آن دسته از فقهای سنت که در احکام فقهی رأی و قیاس را معتبر شناسند و قیاس کلی را گاه بر بعضی اخبار ترجیح می‌دهند.
- ۲۵ یا اهل حدیث، لقب عمومی آن دسته از ائمه و فقها و اهل سنت که در احکام فقهی متکی بر نقل اخبار و نص احادیث بوده‌اند، و از رأی و قیاس خودداری می‌کرده‌اند.
- ۲۶ جمع حافظ است: [=نگهدارنده، نگهبان، و نام خدا]، در تاریخ اسلام، عنوان کسی که قرآن را حفظ دارد (حافظ قرآن)، و همچنین عنوان کسی که در معرفت حدیث و اسما و رجال آن مهارت داشته باشد.
- ۲۷ یوسفین عبدالله ابن عبدالبر (۳۶۳-۴۶۳ ق).
- ۲۸ شمس‌الدین ابی عبدالله محمدبن احمد الذهبی (۶۷۳-۷۲۸ ق).
- ۲۹ محمدبن محمد المرزقی الزبیدی (۱۱۴۵-۱۲۰۵ ق).
- * به نقل از: زندگینامه‌ها؛ انتشارات امیرکبیر؛ ۱۳۶۲.

مثلاً وقتی که شرح حال حجاج بن یوسف ثقفی را می‌نویسیم باید از آنچه که رقیبان و مخالفان او گفته‌اند بر حذر باشیم؛ زیرا که کینه و عداوت، انسان را وادار می‌کند تا قضاوتی نادرست داشته باشد. عده‌ای از مورخان حجاج را به کافر بودن متهم کردند - که تهمت‌های ناروا است - در حالی که او با وجود قساوتش در قتل و کشتار به خداوند و پیامبر او شدیداً ایمان داشت. عمر بن عبدالعزیز خلیفه درستکار و دیندار، حجاج را به دورویی و نفاق متهم کرده و درباره او چنین گفته است: «اگر همه ملتهای منافقان خود را گرد آورند و ما تنها حجاج را بیاوریم از تمام آنها پیشی خواهیم گرفت.»

مورخ یا زندگینامه‌نویس هنگام نوشتن شرح حال ابوحنیفه نعمان^{۲۳} نیز باید متوجه طعنه‌های دشمنان و حسودان او باشد که این طعنه‌ها از اختلاف عقیده میان اصحاب رأی^{۲۴} و اصحاب حدیث^{۲۵} سرچشمه می‌گرفت. ابوحنیفه از بزرگان اصحاب رأی در شریعت اسلام بود و چون این مسئله برای اصحاب حدیث خوشایند نبود، آنچه را که دلشان می‌خواست، به او می‌یستند. لذا زندگینامه‌نویس باید از این گفته‌ها بر حذر باشد. پاره‌ای از این گفتارهای غرض‌آلود در کتاب «تاریخ بغداد» به قلم خطیب بغدادی آمده است.

اما مورخان، حفاظ^{۲۶} و زندگینامه‌نویسان در برابر این گفته‌ها ساکت نماندند و ارزش و درستی آنها را برای مردم روشن کردند. از بین آنها ابن عبدالبر حافظ^{۲۷}، ذهبی^{۲۸}، مورخ و نویسنده «تذکره الحفاظ»، و سید مرتضی الزبیدی^{۲۹} مؤلف «الجواهر المنیفة» را باید نام برد. گاهی تناقض گفتارها درباره یک شخص و یا جنبه به خصوصی از زندگی او تا حد زیادی تعجب‌آور است و این مسئله نباید از نظر زندگینامه‌نویس محقق و پژوهشگر پنهان باشد. مثلاً فرود زندگینامه‌نویس انگلیسی - در شرح حال شگفت‌انگیز کارلایل - جین همسر کارلایل را به صورت زنی حساس و در عین حال بدشانس معرفی می‌کند که مجبور به ارضای خودخواهیهای شوهرش بوده تا او را در نظر زنان دوستدارش بزرگ جلوه دهد. در حالی که زندگینامه‌نویس دیگری به نام درو در کتاب خود، زن کارلایل را به صورت زنی پرحرف، سلیطه و لجباز، زودرنج و سطحی و کارلایل را به صورت شوهری خوش خلق و وفادار تصویر کرده است. در حقیقت اختلاف نظر در تمام موارد، در شرح زندگی نیکان و